

گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و تحلیل سنگ  
مزارهای اسلامی شمال غرب ایران  
(مطالعه موردی دوره ایلخانی تا پایان  
دوره صفویه) ۱۶۳-۱۷۷



نمونه‌ای سنگ‌مزار ترکیبی که  
به صورت یک افراشته منشوری و یک  
سنگ‌قبر صندوقی است، گورستان  
اونار مشکین شهر: مأخذ: نگارندگان



# گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و تحلیل سنگ مزارهای اسلامی شمال غرب ایران (مطالعه موردی دوره ایلخانی تا پایان دوره صفویه)

سعید ستارنژاد\* مصیب نریمانی\*\* شیما عزیزی\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۳۰

صفحه ۱۶۳ تا ۱۷۷

نوع مقاله: پژوهشی

## چکیده

سنگ مزارها یکی از اجزاء جدایی‌ناپذیر تفکر مرگ در میان تمامی جوامع از روزگاران کهن تا به امروز بوده و ابزاری اساسی برای نمودهای عینی و معنوی آن به‌کار رفته است. اگرچه در زمینه ساخت مزار و نشانه‌های مرتبط با آن در جوامع گوناگون دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد، این پدیده در جهان‌بینی ایرانی - اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته است و در شکل‌های مختلف و نقش‌مایه‌های تزئینی متنوع ایجاد شده‌اند. منطقه شمال غرب ایران (آذربایجان ایران) به دلیل حکمرانی اقوام سلجوقی، ایلخانی، آق‌قویونلو، قره‌قویونلو و صفوی یکی از مناطق مستعد برای این‌گونه آثار مادی است. این پژوهش با هدف شناسایی، گونه‌شناسی و تحلیل برخی از سنگ‌مزارهای این منطقه انجام گرفته و به دنبال پاسخ به سؤالات اساسی زیر است: ۱. سنگ‌مزارهای شمال غرب ایران از نظر گونه‌شناسی و شکل در چه اشکالی ایجاد شده است؟ ۲. تحلیل ریشه‌شناختی برخی از شکل سنگ‌مزارهای شمال غرب ایران به کدام مناطق برمی‌گردد؟ ۳. نقوش تزئینی سنگ‌مزارهای شمال غرب ایران در چند دسته قابل تقسیم‌بندی است؟ روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات، اسنادی و میدانی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سنگ‌مزارها از منظر نحوه قرارگیری در سه نوع عمودی، افقی و ترکیبی با گونه‌های مختلف قابل دسته‌بندی است؛ همچنین مطالعات تطبیقی سنگ مزارها نشان می‌دهد که از نظر ریشه‌شناختی برخی از اشکال سنگ‌قبرها با فرهنگ‌های آسیای میانه ارتباط نزدیکی دارد که نشان از تاثیر و تاثرات فرهنگی میان حکومت‌های دوره اسلامی ایران با آسیای میانه است. سنگ مزارهای مورد مطالعه از لحاظ آرایه‌های تزئینی دارای انواع مختلفی با مفاهیم متنوعی است از جمله: الف) انسانی، ب) گیاهی، ج) حیوانی، د) هندسی - نمادین، ه) اشیاء و ابزارآلات است. هم‌اکنون بسیاری از این آثار دچار آسیب انسانی و طبیعی شده و تنها تعدادی از آنها از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردارند.

## کلیدواژه‌ها

شمال غرب ایران، سنگ‌مزار، گونه‌شناسی، فرهنگ ایرانی - اسلامی، آسیای میانه

\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، شهر اردبیل، استان اردبیل. (نویسنده مسئول)  
Email: saeidsattarnejad@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، شهر اردبیل، استان اردبیل.  
Email: karadenizsaeid@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بابلسر، شهر بابلسر، استان مازندران.  
Email: Sh.azizi1391@yahoo.com

## مقدمه

مشکین شهر، خلخال، نیر، اردبیل، سرعین، مراغه، ورزقان، بستان‌آباد، تبریز، مرند، اهر، آذرشهر، میان‌دوآب و سلماس انجام گرفت است؛ که از این گورستان‌ها حجم نمونه و روش محاسبه (نمونه‌گیری) به صورت تصادفی انتخاب شد. در انتخاب سنگ‌قبرهای این گورستان‌ها در مرحله نخست تمام سنگ‌قبرهای گورستان مستندنگاری (عکس‌برداری، ابعاد سنگ‌قبرها، نقوش تزئینی، جهت قبور، جنس سنگ) شد. در پژوهش حاضر برای دستیابی به نتایج بهتر سنگ‌مزارهایی که از نظر سلامت و تنوع نقوش وضعیت بهتری داشتند انتخاب شدند. به‌طور کلی در پژوهش حاضر جامعه آماری مورد نظر تعداد ۲۰ سنگ‌قبر در گورستان‌های روستای سوساوا، بیجق، گال، ورزقان، سفیدآباد، صومعه دل، اوانار، مراغه، سرخه دیزج، ورجوی انتخاب گردید و با نرم‌افزارهای کورل و اتوکد، طرح‌ها و نقش‌مایه‌ها طراحی و طبقه‌بندی گردیده‌اند و با روش‌های کیفی و کمک گرفتن از روش‌های مطالعات تطبیقی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند.

## پیشینه تحقیق

تاکنون مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی در زمینه سنگ‌مزارهای شمال غرب ایران در دوران اسلامی به رشته تحریر در آمده که با نگاهی گذار به هریک می‌توان دریافت که در این نوشتارها عموماً گورستان‌های محدودی مد نظر بوده و به‌صورت کلی نگر به گورستان‌ها پرداخته نشده است؛ به همین دلیل در متون موجود نه تنها به طبقه‌بندی شکل ظاهری سنگ‌مزارها کم توجهی شده بلکه ریشه‌شناسی این سنگ‌مزارها نیز مطالعه نشده است. به همین سبب منابع در دسترس، توصیف‌کننده برخی از سنگ‌مزارهای گورستان‌های این منطقه بوده‌اند. از جمله مقالات کار شده در باره سنگ‌قبرهای شمال غرب ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «تزیینات کتیبه‌ای نمای بیرونی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی» (مهناز شایسته‌فر و ملکه گلمغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۱)، علوم اجتماعی و انسانی، دوره ۱۹، شماره ۱، «تزیینات کتیبه‌ای سنگ‌قبرهای شیخ‌صافی و تطبیق آن با نهار خوران گرگان» (مهناز شایسته‌فر، ۱۳۸۸، کتاب ماه هنر، شماره ۱۳۴)، «آثار سنگی تمدن اسلامی در گورستان آرامنه تبریز» (محمدباقر صابرقیبر، ۱۳۹۱، ماهنامه باغ نظر، شماره ۹)، «مزارات بیلانکوه تبریز» (میرجعفری و بزازدستفروش، ۱۳۹۱)، پژوهش‌های تاریخی، سال ۴۸، شماره ۱۴، «سنگ‌مزارها نمودی از وحدت مذاهب مختلف اسلامی ایران» (موسوی کوهپیر و همکاران، ۱۳۹۴)، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال ۵، شماره ۲۰) و غیره را نام برد. در این مقالات پژوهشگران بیشتر به مطالعه عناصر تزئینی به کار رفته در سنگ‌قبرهای برخی از گورستان‌ها به خصوص مجموعه شیخ‌صافی اردبیل پرداخته‌اند این در حالی است؛ که از نظر مطالعات عناصر تزئینی بایستی

سنگ‌مزارها یکی از اجزای مراسم تدفین و به‌عنوان ابزاری که بیان‌کننده هویت و تاریخ درگذشت شخص متوفی محسوب می‌شود و جایگاه ویژه‌ای برای انتقال بسیاری از مفاهیم فرهنگ عامه را داراست. سنگ‌مزارها در هر منطقه و کشور متأثر از ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن منطقه است. در میان گورستان‌های دوره‌های مختلف، سنگ‌مزارهای دوره اسلامی از تنوع آرایه‌های تزئینی و شکل ظاهری برخوردارند و مجموعه بسیار خوبی برای مطالعات باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ، هنر، سیاست مناطق مختلف است.

منطقه شمال غرب ایران در دوره اسلامی به دلیل وجود گروه‌های مختلف انسانی بستری مناسب برای شکل‌گیری سنگ‌مزارهای متناسب با باورهای آیینی - اعتقادی این جوامع شده است؛ بنابراین در این منطقه، گورستان‌های بیشتری از دوره‌های مختلف اسلامی باقی مانده که در آن‌ها طیف وسیع و متنوعی از سنگ‌مزارها شکل گرفته است؛ با این حال تاکنون پژوهش جامع پیرامون گونه‌شناختی و طبقه‌بندی سنگ‌مزارهای اسلامی شمال غرب ایران از نظر شکل ظاهری و نقش‌مایه‌های به‌کاررفته در آن‌ها انجام نشده است. مطالعه سنگ‌مزارها از نظر باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، هنر و سایر علوم حائز اهمیت بوده و نیازمند پژوهش منسجم و متمرکز است.

هدف این پژوهش، ضمن مطالعه سنگ‌مزارها در مناطق مختلف آذربایجان ایران، به طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سنگ‌مزارها از دو منظر شکل ظاهری - ایستایی و نقش‌مایه‌های تزئینی ایجاد شده بر روی آن‌هاست. سوالاتی این پژوهش عبارتند از: ۱. سنگ‌مزارهای شمال غرب ایران از نظر گونه‌شناختی و شکل در چه اشکالی ایجاد شده است؟ ۲. ریشه‌شناختی برخی از شکل سنگ‌مزارها به کدام مناطق برمی‌گردد؟ ۳. نقوش تزئینی سنگ‌مزارهای شمال غرب ایران در چند دسته قابل تقسیم‌بندی است؟ ضرورت و اهمیت تحقیق در این است که اگرچه زیبایی و تنوع شکل و نقش سنگ‌مزارهای دوره اسلامی منطقه شمال غرب ایران از دیر باز مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و سیاحان قرار گرفته است؛ با این حال سنگ‌مزارها تاکنون از نظر شکل ظاهری، آرایه‌های به‌کاررفته و ریشه‌شناختی کمتر مورد توجه قرار گرفته و سزاوار بررسی، تحلیل بیشتر و جامع‌تری بوده است تا زمینه‌ای برای بررسی‌های دقیق علمی در سایر نواحی برای طبقه‌بندی این‌گونه آثار باشد.

## روش تحقیق

این پژوهش مبتنی بر رویکرد کیفی و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی تدوین یافته و گردآوری اطلاعات براساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۰ گورستان در شهرستان‌های

از شعرای نامی ایران زمین از جمله فاریابی، اسدی توسی، قطران و همام شیرازی در گورستان‌های تبریز اشاره کرده است (کربلائی تبریزی، ۱۳۴۴: ۴۹۷). در منابع تاریخی دیگر از جمله کتاب «روضه اطهار» نوشته حشری تبریزی (حشری تبریزی، ۱۳۷۱: ۶۳)، کتاب «منظر الاولیاء» نوشته محمدکاظم تبریزی (تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۲۱) نیز اشاراتی به مزارات برخی از اشخاص در گورستان‌های تاریخی شهر تبریز کرده‌اند. جیمز موریه در سده ۱۹ میلادی ضمن سفر به برخی از شهرهای منطقه شمال غرب ایران، در کتاب خود با عنوان «سفرنامه جیمز موریه» ضمن بازدید خود از شهر مراغه، به گورستان‌های تاریخی و نقش‌مایه‌های ایجاد شده بر روی سنگ‌مزارهای این شهر اشاراتی کرده است (Morier, 1888: 291-289).

باستان‌شناسان خارجی ضمن بررسی و مطالعات آثار باستانی منطقه شمال غرب به برخی از گورستان‌های تاریخی نیز اشاره کرده‌اند؛ از جمله ولفرام کلایس که از گورستان‌های تاریخی شهر آذرشهر و سدوک ارومیه بازدید و تصاویری از آن در نوشتاری با عنوان «بررسی‌های باستان‌شناسی شمال غرب» ثبت کرده است (Kleiss, 1969: 41). بعدها این نوشته‌ها به زبان فارسی ترجمه شد و در قالب کتابی با عنوان «گزارش‌های باستان‌شناسی در ایران» از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۴ به چاپ رسید. واندنبرگ در کتاب «باستان‌شناسی ایران» از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸ در توصیف محوطه گوی تپه به سنگ‌مزارهای کوچی شکل این روستا اشاره کرده و آن‌ها را به دوران قبل از اسلام منسوب دانسته است (واندنبرگ، ۱۳۴۸). عبدالعلی کارنگ در کتاب «آثار و بناهای تاریخی تبریز» از انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی به گورستان‌های اسلامی شهرهای آذرشهر، تبریز و اسکو اشاره مختصر کرده است (کارنگ، ۱۳۷۴). «سنگ‌نوشته‌های آذربایجان» عنوان کتابی از انتشارات دانشگاه تبریز است که در آن به معرفی برخی از گورستان‌های دوره اسلامی شمال غرب پرداخته است (برادران شکوهی و رحیم‌لو، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲). این کتاب‌ها عموماً به صورت گذرا به معرفی برخی از سنگ‌مزارها پرداخته‌اند و طبقه‌بندی و گونه‌شناسی از اشکال سنگ‌مزارها ارائه نکرده‌اند. به‌طور خلاصه می‌توان این‌گونه بیان کرد که تاکنون، با گذشت سال‌ها تلاش و پژوهش در زمینه سنگ‌مزارهای دوره اسلامی شمال غرب ایران، هنوز طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و ریشه‌شناسی جامع از این آثار نشده است. در منابع مطالعاتی پیشین عموماً آثار به‌صورت گزارش گونه و توصیفی بوده و به همین دلیل گذشته از طبقه‌بندی سنگ‌مزارها از نظر شکل ظاهری یا نداده انگاشتن ریشه‌های سنگ‌افراشته‌های این منطقه نتوانستند علت اصلی در تنوع سنگ‌مزارها در این منطقه را پیدا کرده و دیگر ابعاد موضوع را روشن نمایند؛ بر همین

به ریشه‌شناختی و تاثیر فرهنگ‌های مختلف در شکل‌گیری این عناصر توجه شود؛ بر همین اساس در پژوهش حاضر برای نخستین بار نگارندگان به این مبحث پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر پایان‌نامه‌هایی با محوریت مطالعه برخی از سنگ‌قبرهای این منطقه کار شده است؛ از جمله بهمن کارگر در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مقابر شمال غرب ایران» که با استاد راهنمایی جابر عنصری در دانشگاه تربیت مدرس دفاع کرده است. در این پایان‌نامه ضمن توصیف بناهای آرامگاهی، اشاره مختصر به برخی از سنگ‌مزارهای دوره اسلامی داشته است (کارگر، ۱۳۷۲). پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی با عنوان «بررسی و مطالعه سنگ‌مزارات شهرستان مراغه در دوره اسلامی» دانشگاه آزاد تهران مرکز به استاد راهنمایی هاید لاله دفاع شده است (محرّم‌پور، ۱۳۸۲). در این پایان‌نامه به معرفی برخی از سنگ‌مزارهای مراغه پرداخته اما طبقه‌بندی جامع از شکل ظاهری و نقش‌مایه‌ها ارائه نداده است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی با عنوان «مطالعه و بررسی سنگ‌قبرهای دوره اسلامی اردبیل» دانشگاه محقق اردبیلی به استاد راهنمایی دکتر کریم حاجی‌زاده دفاع شده است (ثمّری، ۱۳۸۵). در این پایان‌نامه به توصیف سنگ‌مزارهای دوره اسلامی اردبیل پرداخته و همانند سایر منابع به توصیف نقوش پرداخته و ریشه‌شناختی و طبقه‌بندی جامعی از سنگ‌مزارها ارائه نکرده است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی «مطالعه سنگ‌مزارهای دوره اسلامی اوانار» به استاد راهنمایی بهروز افخمی در دانشگاه محقق اردبیلی دفاع شده است (پروین، ۱۳۹۵). در این پایان‌نامه ضمن توصیف سنگ‌مزارهای افراشته‌ای این گورستان، به ریشه‌شناختی این پدیده و چرایی آن پرداخته و تنها به توصیف شکل کلی و دوره زمانی آن اشاره کرده است. در پایان‌نامه‌های اشاره شده پژوهشگران به طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سنگ‌مزارها کمتر توجه کرده و عموماً به توصیف کلی برخی از سنگ‌مزارها در گورستان‌ها پرداخته‌اند. با این حال در پژوهش حاضر نگارندگان ضمن طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سنگ‌مزارهای شمال غرب ایران به ریشه‌شناختی سنگ‌مزارها و عناصر تزئینی آن پرداخته‌اند که از جنبه‌های نوآوری پژوهش محسوب می‌شود.

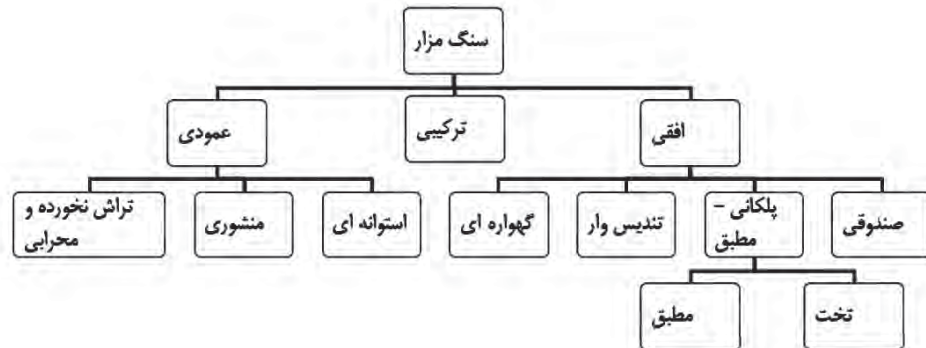
متون تاریخی ضمن اشاره به حوادث و آثار تاریخی این منطقه به برخی از گورستان‌های منطقه شمال غرب اشاره گذرا داشته‌اند از جمله این منابع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. قدیمی‌ترین منبع که در آن به گورستان‌های اسلامی آذربایجان اشاره شده، کتاب «نزهت القلوب» نوشته حمدالله مستوفی است. در این کتاب به گورستان شهر تبریز به‌خصوص گورستان بیلان‌کوه اشاراتی شده است (مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۹). اثر بعدی کتاب «روضات الجنان» نوشته کربلائی تبریزی است. در این منبع به مزارات برخی

گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و تحلیل سنگ  
مزارهای اسلامی شمال غرب ایران  
(مطالعه موردی دوره ایلخانی تا پایان  
دوره صفویه) ۱۶۳۱-۱۷۷

جدول ۱. شناسنامه گورستان‌های مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان

نمونه	نوع گورستان	قدمت	طراحی سنگ‌مزار	نوع خطوط	نقوش سنگ‌مزار	آسیب‌شناسی سنگ‌مزارها
آذرشهر	روستایی	تیموری - صفوی	فن حجاری	کوفی ساده و ثلث	گیاهی، هندسی، ابزار	اکثر سنگ‌مزارها شکسته شده است
اردبیل	شهدای چالداری	صفوی	فن حجاری	کوفی بنایی، رقاع، نستعلیق	آیات قرآنی، اشعار فارسی، گیاهی، هندسی، ابزار آلات و حیوانی	در محوطه شیخ صفوی محافظت می‌شوند
اهر	موزه	ایلخانی تا صفوی	فن حجاری	کوفی، ثلث	گیاهی، هندسی، آیات قرآنی، حیوانی، انسانی، ابزار آلات	تحت حفاظت میراث فرهنگی
تبریز	مشایخ روستایی	ایلخانی تا قاجار	فن حجاری	کوفی، ثلث	گیاهی، هندسی، آیات قرآنی، ابزار آلات	تحت حفاظت میراث فرهنگی
خلخال	روستایی	صفوی	فن حجاری	کوفی ساده و ثلث	آیات قرآنی، گیاهی و هندسی	وضعیت نامناسب برخوردارند
سرعین	روستایی	صفوی	فن حجاری	کوفی ساده	آیات قرآنی، هندسی و گیاهی	وضعیت نامناسب برخوردار هستند
سلماس	روستایی	-	فن حجاری	کوفی ساده	آیات قرآنی، هندسی و گیاهی	وضعیت نامناسب برخوردارند
مراغه	روستایی - موزه سنگ‌نگاره‌ها	ایلخانی تا پهلوی	فن حجاری	کوفی ساده و بنایی، ثلث و نستعلیق	آیات قرآنی، اشعار فارسی، گیاهی، هندسی، ابزار آلات	در داخل موزه سنگ‌نگاره‌ها قرار دارند.
ورزقان	داخل شهر	تیموری تا پهلوی	فن حجاری	کوفی و ثلث	گیاهی، هندسی، آیات قرآنی، ابزار آلات	در گورستان فعلی شهر قرار دارند

نمودار ۱. طبقه‌بندی سنگ‌مزارهای دوره اسلامی شمال غرب ایران بر اساس شکل ظاهری. مأخذ: نگارندگان



سنگ‌مزارهای این گورستان‌ها بعد از سدهٔ میانی به‌خصوص ایلخانی و تیموری شکل گرفته‌اند، ۴. دارای سنگ‌مزارهای متنوع بوده‌اند که در دوره‌های بعدی از سنگ‌مزارهای قدیمی به‌عنوان سنگ افراشته بهره گرفته‌اند، ۵. نقوش هندسی - انتزاعی نسبت به سایر نقوش در حجم بیشتر کار شده است، ۶. سنگ‌مزارهای سده‌های میانی به‌خصوص سلجوقی و ایلخانی بیشتر متعلق به اهل سنت بوده و سنگ‌مزارهای دوره‌های بعدی متعلق به اهل تشیع است که بر روی سنگ‌مزارها شواهدی از نام ائمه دیده می‌شود (این روند دگرگونی عناصر مذهبی با جریان تغییر مذهب از اهل سنت به تشیع را در منطقه نشان می‌دهد)، ۷. این گورستان‌ها امروزه توسط روستاییان منطقه برای دفن اموات، مجدد مورد استفاده قرار گرفته است (جدول ۱).

#### طبقه‌بندی سنگ‌مزارهای دوران اسلامی شمال غرب از نظر شکل ظاهری

بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده از مناطق مختلف شمال غرب ایران گورستان‌های زیادی با تنوع سنگ‌مزار شناسایی و معرفی شده است. در مطالعات سنگ‌مزارها تاکنون اصول خاصی برای طبقه‌بندی آن‌ها ارائه نشده است (Yildirim, 97:2016). با این حال سنگ‌مزارها را از نظر نحوه قرارگیری و ایستایی به سه دسته مجزا با زیر شاخه‌های مختلف تقسیم‌بندی نمود. گونه‌های فوق عبارت‌اند از: ۱) سنگ‌مزارهای افقی شکل که در شکل‌های الف (صندوقی، ب) پلکانی - مطبق، ج) گهواره‌ای، د) پیکره‌وار قابل دسته‌بندی است. ۲) سنگ‌مزارهای عمودی شکل که به‌صورت سنگ‌افراشته در شکل الف) تراش نخورده و تراش‌خورده محرابی، ب) منشوری، ج) استوانه‌ای. ۳) سنگ‌مزارهای ترکیبی (نمودار ۱). گفتنی است برخی از سنگ‌گورهای شناسایی شده از نظر آسیب‌شناسی وضعیت مناسبی نداشته است و عمدتاً تخریب شده‌اند.

#### ۱- سنگ‌مزارهای افقی:

این سنگ‌قبرها به‌صورت خوابیده بر روی گور قرار

اساس این پژوهش برای نخستین بار ضمن شناسایی برخی از سنگ‌مزارهای کمتر شناخته شده این منطقه به طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و تحلیل این آثار پرداخته است و توانسته از نظر ریشه‌شناختی برخی از سنگ‌مزارها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

#### گورستان‌ها و سنگ‌مزارهای اسلامی شمال غرب ایران

شمال غرب ایران که در منابع تاریخی بیشتر با نام آذربایجان شناخته شده است امروزه شامل استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی است. در این منطقه گورستان‌های متنوعی از دوره‌های مختلف از جمله عصر مفرغ و آهن باقی‌مانده است که نخستین شواهد از بناهای آیینی - تدفینی دوره اسلامی شمال غرب ایران در قالب بناهای یادمانی به‌خصوص مقابر سده ۵ ه.ق. به بعد دانست، از جمله گنبد سرخ مراغه (Godard, 301:1965)، برج مقبره کبود مراغه (Kleiss, 40:1969)، سه‌گنبد ارومیه (پوپ، ۱۳۹۰: ۸۵) و غیره است. نوع معماری بناهای آرامگاهی در دوره‌های بعدی از جمله ایلخانی، صفوی و غیره در این منطقه ادامه می‌یابد. به‌نظر می‌رسد این نوع معماری ریشه در سنت مقبره‌سازی آسیای میانه داشته (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۲۷۵) که با ورود اقوامی از آسیای میانه به این مناطق ادامه پیدا کرده است. در کنار مقبره‌سازی در برخی از مناطق گورستان‌های شکل گرفته که این گورستان‌ها دارای سنگ‌مزارهای با شکل و نقوش متنوع است. گورستان‌های اسلامی این منطقه با وجود شباهت کلی با سایر گورستان‌های نواحی مختلف ایران، در گونه‌شناختی و نقش‌مایه‌های تزئینی دارای تفاوت‌های بوده که این تفاوت‌ها به‌نظر ریشه در باورها و اعتقادات طراحان و حجاران این سنگ‌مزارها دارد.

در مطالعات سنگ‌مزارهای اسلامی این منطقه، نکات مشترک زیادی میان آن‌ها شناسایی گردید، از جمله: ۱. قرارگیری در کنار روستاهای امروزی، ۲. عمدتاً بر روی تپه‌ها و نواحی مرتفع قرار دارند، ۳. از نظر گاهنگاری

که در این گروه زائده‌های مضاعف و با عرض کم به صورت طولی و برجستگی فوقانی ایجاد شده که نمونه‌ای از آن در قبرستان اونار مشکین شهر باقی‌مانده است (پروین، ۱۳۹۵: ۴۵). سنگ‌مزارهای گهواره‌ای پیوسته: این دسته از سنگ‌مزارها حالتی کشیده دارند و قسمت پایه و برجستگی فوقانی آن‌ها به صورت پیوسته تراشیده شده‌اند (موسوی‌کوهپر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۱). سنگ‌مزارهای گهواره‌ای تخت ساده که نمونه‌های از آن در منطقه خلخال (جدول ۲)؛ و گورستان کروویق و رزقان باقی‌مانده است.

#### د) سنگ‌مزارهای پیکره‌وار:

این‌گونه سنگ‌افراشته‌های عمودی به صورت پیکره انسانی، شیر، قوچ و اسب ایجاد شده‌اند، نمونه قدیمی از این سنگ‌مزارها در آسیای میانه (Arslan, 2017)، جمهوری آذربایجان (۲۰۱۳، Ağasıoğlu، ترکیه (Berkli, 2012) باقی‌مانده است. پیکره‌های انسان‌نما بیانگر تصویری از شخص متوفی بوده که در بین اقوام ترک‌زبان با اسامی همچون «داش‌بابا» و «داش‌ننه» شناخته شده است (Arsalan, 1926: 2017). پیکره‌انسانی به نظر می‌سد به دلیل نفی اسلام در باب صورتگری به ندرت تراشیده شده؛ با این حال به صورت یک آرکی تایپ در دوره اسلامی نیز ساخت پیکره انسانی ادامه پیدا کرده است (Berkli, 28: 2012؛ Demirel, 4: 2008). در دوره اسلامی سنگ‌قبرها عمدتاً به صورت یک مجسمه انسانی که گردن و شکل سر نسبت به جزییات دست و پاها واضح تراشیده شده‌اند (Baykara, 128: 1993). آنچه در باره این نقش برجسته‌ها می‌توان گفت این است که آن‌ها ریشه در فرهنگ هنر بومی دارد (کارگر، ۱۳۷۲: ۳۸۸) که نشان می‌دهد مردم آذربایجان قبل از اسلام بر روی مزار مرده‌هایشان پیکره‌ای از انسان قرار می‌داده‌اند (افندی‌اف، ۱۳۹۲: ۲۴) که در دوره اسلامی با تغییرات جزئی ادامه پیدا کرده است (Berkli, 28: 2012). در شمال غرب ایران نیز نمونه‌های از این پیکره‌ها در قبرستان نیار استان اردبیل (کارگر، ۱۳۷۲: ۳۸۸)، مرادتپه (افقهی، ۱۳۸۷: ۹۴) و اونار مشکین‌شهر باقی‌مانده است. سنگ‌قبرهای افراشته گورستان اونار مشکین‌شهر از نظر شکل ظاهری با نمونه‌های سنگ‌قبرهای ترکیه قابل مقایسه بوده (Arsalan, 1931: 2017) که کلایس نیز ضمن بازدید از این سنگ‌مزارها به چنین شباهتی بین آن‌ها اشاره کرده است (Kleiss, 81: 1969) همچنین در گورستان پینه‌شلوار (پینه شیروان)، بردوک، شادبادمشایخ، بجوشین نیز نمونه‌های از این سنگ‌مزارها باقی‌مانده است.

یکی دیگر از سنگ‌مزارهای ایجاد شده، متعلق به پیکره شیر است. پیکره سنگ‌مزار شیر در روستاهای «کیقال» و «سیغای» شهرستان رزقان شناسایی شده است. نقش شیر به عنوان یک نماد جایگاه مهمی در تزیینات هنر ایران قبل از اسلام و دوره اسلامی را به خود اختصاص داده

گرفته و طول سنگ به طور متوسط طول گور را پوشانده است. این شکل از رایج‌ترین نوع سنگ‌مزارهای دوره اسلامی می‌باشد. این نوع سنگ‌مزارها از نظر نحوه تراش دارای شکل‌های مختلفی بوده و هر یک از آن براساس شکل ظاهری و ایستایی گونه‌های متنوع دارد که عبارت است از: الف) سنگ‌مزارهای صندوقی: سنگ‌مزارهایی به شکل مکعب‌مستطیل که دارای اندازه‌های متفاوت بوده و از تخته‌سنگ یکپارچه تراشیده شده‌اند. این سنگ‌مزارها از لحاظ حجاری به دو نوع ساده و منقوش تقسیم می‌شوند (کارگر، ۱۳۷۲: ۳۵۹). نمونه‌های از این سنگ‌مزارها در موزه سنگ‌نگاره‌های مراغه، موزه آذربایجان تبریز، محوطه شیخ صفی اردبیل، گورستان رزقان، بناب، مشکین‌شهر، تازه‌شهر سلماس، گورستان شام اسبی<sup>۱</sup>، پینه‌شلوار تبریز، روستای آس اهر و غیره دیده می‌شود.

#### ب) سنگ‌مزارهای پلکانی یا مطبق:

دومین نوع از سنگ‌مزارها شکل پلکان داشته و از این منظر به آن سنگ‌مزارهای پلکانی گفته می‌شود. این نوع سنگ‌قبر از لحاظ جنس، نقش و خطوط شبیه به نوع صندوقی بوده و تنها از لحاظ شکل متفاوت است؛ سنگ‌مزارهای پلکانی دارای شکل یکسان نبوده و تعداد پلکان‌های آن‌ها متغیر است (افقهی، ۱۳۸۷: ۹۷). بعضی از این سنگ‌مزارها در سطح رویی خود دارای ستون‌های کوچک تراش‌خورده بوده که تعداد آن‌ها از یک تا چهار متغیر است (کارگر، ۱۳۷۲: ۳۷۰)، این نوع سنگ‌مزارها عمدتاً بازه زمانی سده ۶ تا ۱۰ هجری بوده غالباً متعلق به مقابر بزرگان می‌باشد. از این نمونه سنگ‌مزارها در روستاهای رزقان، اهر، خلخال، پینه‌شلوار، اونار مشکین‌شهر و غیره دیده می‌شود.

#### ج) سنگ‌مزارهای گهواره‌ای:

این سنگ‌مزارها متشکل از دو قسمت بدنه و برجستگی فوقانی است. قسمت پایه، بخش اصلی سنگ‌قبر را تشکیل می‌دهد که بیشترین تزیینات بر روی آن ایجاد می‌شود. قسمت برجسته، به صورت پیوسته و متصل به بدنه تراشیده می‌شود. این‌گونه سنگ‌مزار از نظر شکل‌های مختلف پایه، بخش فوقانی و نحوه ترکیب‌بندی آن‌ها تفاوت‌های دارند که بر همین اساس آن‌ها را به دسته‌های زیر می‌توان تقسیم‌بندی نمود: سنگ‌مزارهای گهواره‌ای تخت که در این گروه اندازه برجستگی فوقانی همسان یا بیشتر از ارتفاع پایه است. گروه دوم سنگ‌مزارهای نوع گهواره‌ای صندوقی است که در این گروه، ارتفاع برجستگی فوقانی کمتر از پایه در نظر گرفته می‌شود. گروه سوم سنگ‌مزارهای مطبق هستند (موسوی‌کوهپر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۷). سنگ‌مزارهای گهواره‌ای تخت خود نیز به گونه‌های زیر قابل تقسیم‌بندی است: سنگ‌مزارهای گهواره‌ای تخت با زائده‌های بر روی قسمت برجستگی فوقانی

۱. گورستان شام اسبی در شهر اردبیل واقع شده است. برخی از سنگ‌مزارهای این گورستان متعلق به سده ۶ الی ۸ هجری بوده (کارگر، ۱۳۷۲: ۳۵۸) و تعدادی از قبرها متعلق به اهل سنت می‌باشد.

جدول ۲. نمونه‌های از سنگ‌مزارهای افقی، مأخذ: همان.

منبع	قدمت	ملاحظات	قبرستان
نگارندگان	تیموری و پس از آن	۱. سنگ‌مزار ساده از نوع افقی خوابیده ۲. روستای بیجق مشکین‌شهر ۳. فن حجاری ۳. نقش محراب، نقوش اسلیمی و گل لوتوس	
(ثمری، ۱۳۹۵: ۹۸)	صفوی	۱. سنگ‌مزار صندوقی ۲. شهیدگاه اردبیل ۳. فن حجاری ۴. آیات قرآنی، نقوش اسلیمی، نقش خنجر، نام حضرت علی با خط کوفی بنایی تکرار شده است.	
نگارندگان		۱. سنگ‌مزار مطبق/پلکانی ۲. گورستان صومعه دل ورزقان ۳. فن حجاری ۳. فاقد نقش بوده و کتیبه آن به دلیل رسوب ناخواناست.	
(موسوی کوهپیر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۷)	احتمالاً صفوی	۱. سنگ‌مزار گهواره‌ای تخت ۲. روستای امیرآباد اردبیل ۳. فن حجاری ۴. فاقد نقش	

مناطق از مغولستان، قزاقستان، آذربایجان، ایران و ترکیه بر روی قبور قابل مشاهده است (Aksoy, 36:2017). نقش قوچ همواره مورد احترام پیشینیان بوده و در منطقه آذربایجان به‌عنوان نمادی از بهره‌وری، فراوانی، قدرت، شجاعت و جنگاوری شناخته شده است (Alyilmaz & 305:2017). استفاده می‌کردند در دوره اسلامی استفاده از پیکره گوسفند و قوچ مختص قبور مسلمانان نبوده بلکه در جهان بینی سایر ادیان ترک زبان نیز باقی مانده است (Ağasıoğlu, ۲۰۱۳: ۳۱). مردم منطقه آذربایجان نسبت به پیکره‌های سنگی احترام زیادی قائل بوده‌اند به‌طوری که زنان به منظور باردار شدن به پای گوسفندان می‌افتادند و

است. در دوره اسلامی خصوصاً اواخر دوره سلجوقی به بعد با مفهوم مذهبی نماد حضرت علی (ع) ارتباط معنایی پیدا کرده و به‌نظر می‌رسد کاربرد شیرهای سنگی در امامزاده‌ها و یا بر روی سنگ‌مزارها از همین اعتقاد ناشی می‌شده است، به‌طوری که بر شانه راست این شیرهای سنگی، خورشید (نماد پیامبر) و در سمت چپ آن‌ها، شمشیر قرار دارد (خزایی، ۱۳۸۱: ۵۵)؛ و به‌تدریج از دوره صفوی بر روی سنگ‌گورها نیز پیکره شیر عمومیت پیدا کرده است (تناولی، ۱۳۵۴: ۴۵).  
پیکره قوچ - گوسفند به‌عنوان یک ویژگی از فرهنگ ترکی آسیای میانه شناخته شده (Berkli, 220:2007) که در

۱. امروزه در برخی از روستاهای منطقه آذربایجان سر قوچ را به انتهای دیرک و ستون‌ها، به منزله خیر و برکت نصب می‌کنند (افندی‌اف، ۱۳۹۲: ۳۹). سنگ قبر قوچ برای قبور مردان و سنگ قبر گوسفند در قبور زنان قرار داده می‌شد (Ağasıoğlu, 2013: 31).



جدول ۳. سنگ‌مزارهای حیوانی شکل. مأخذ: همان.

منبع	قدمت	ملاحظات	تصویر	گورستان
آرشیو میراث فرهنگی (عکس از مهرداد محرم‌پور)	تیموری - صفوی	۱. ابعاد ۲۷×۵۷×۹۰ cm ۲. جنس سنگ آذرین بیرونی ۳. ساده و فاقد نقوش و کتیبه		پیکره شیر
نگارنده	تیموری - صفوی	۱. جنس سنگ آذرین بیرونی ۲. فن حجاری جهت ایجاد زین، یراق و دهنه اسب ۳. داخل گورستان صفوی ۴. قابل مقایسه با نمونه‌های جمهوری آذربایجان است.		پیکره اسب
نگارنده	صفوی	۱. ابعاد ۲۳×۶۷×۱۳۰ cm ۲. جنس سنگ آذرین بیرونی ۳. کتیبه با مضامین الله، محمد و علی		قوچ سنگی



تصویر ۱. نمونه‌ای سنگ‌مزار ترکیبی که به صورت یک افراشته منشوری و یک سنگ‌قبر صندوقی است، گورستان ورزقان. مأخذ: نگارندگان.

حیوان، پیش از اسلام و در اساطیر، متون کهن دینی، شاهنامه و فرهنگ بومی منطقه، نقشی بسیار ارزشمند و مورد ستایش داشته است. به غیر از استفاده رایج آن، مانند حمل و نقل و شکار، کارکردهای آیینی، اقتصادی، رزمی، بزمی، تزیینی و تشریفاتی نیز داشته است (احمدزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۷) (جدول ۳).

این سنگ‌مزارها از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کرد (Esfandiolf, ۱۴: ۱۹۸۶). واندنبرگ گاهنگاری سنگ‌مزارهای قوچی را به اشتباه مربوط به قبل از اسلام دانسته (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۱۱۷) که براساس پژوهش‌های انجام شده این سنگ‌مزارها عمدتاً مربوط به سده ۱۰ هجری است (کارگر، ۱۳۷۲: ۲۸۵)، پیکره قوچ در روستاهای ورجوی مراغه، گنبد کبود ورزقان، لیلاب، کال، اهر، مرند، عجب‌شیر و غیره وجود داشته که امروزه تنها تعدادی از آن باقی‌مانده و بیشتر آن‌ها آسیب دیده و شکسته شده‌اند.

پیکره اسب نیز همانند قوچ در برخی مناطق آذربایجان باقی‌مانده است. پیکره اسب نسبت به پیکره شیر و قوچ بسیار نادر بوده و تنها نمونه‌های آن در روستای «سُرَخه دیزج» شهرستان ورزقان باقی‌مانده که قابل مقایسه با نمونه‌های از جمهوری آذربایجان است (Ağasıoğlu, 2013: 31). اسب در هنر تدفینی نماد مرگ بود و روان متوفی را با خود می‌برد (هال، ۱۳۸۰: ۲۴) و در جوامع باستانی با عنوان بهترین پیشکش افتخارآمیز بوده است (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۱۸) به طوری که در کاوش‌های برخی از گورستان‌های پیش از تاریخی محوطه‌های شمال غرب ایران نمونه‌های آن تدفین اسب کشف شده است (رضالو و ایراملو، ۱۳۹۳: ۱۱۵). به طوری کلی این

جدول ۴. نمونه‌ای از سنگ‌مزارهای افراشته. مأخذ: همان.

نمونه	نوع سنگ‌مزار	ملاحظات	قدمت	منبع
	افراشته مطبق	۱. فن حجاری ۲. مستطیلی مطبق ۳. به صورت ساده و فاقد هرگونه کتیبه است.	نامشخص	گورستان سوسه‌باب خلخال (موسوی کوهپیر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۴)
	سنگ‌افراشته منشوری	۱. فن حجاری ۲. منشوری ۸ ضلعی ۳. کتیبه با مضامین اسماء جلالیه و نام متوفی و تاریخ ناخوانا	تیموری	روستای گال و رزقان (نگارندگان)
	سنگ‌افراشته تراش‌خورده محرابی	۱. فن حجاری ۲. محرابی شکل ۳. کتیبه با مضامین کل علیها فان، نام متوفی و نام پدر، تاریخ به هجری ۹۰۰	تیموری - صفوی	سفیده‌خوان بستان‌آباد (نگارندگان)

## ۲- سنگ‌مزارهای عمودی:

هجری (پروین، ۱۳۹۵: ۷۰)، پینه‌شلوار تبریز، بردوک ارومیه (Kleiss, 41: 1969)، باقی‌مانده است. (ب) افراشته تراش‌نخورده و تراش‌خورده محرابی: این قبیل سنگ‌افراشته‌ها به صورت تخته‌سنگ‌های در ابعاد مختلف در جهت غرب و شرق و گاهاً دو طرف گور قرار داده می‌شود. بر روی این سنگ‌ها آرایه‌های متنوع ایجاد شده و در مناطق ترک‌نشین به این سنگ‌ها اصطلاح «باش‌داشی» به معنای سنگ‌سر به‌کار می‌رود و در مناطق سنی مذهب عمدتاً دو طرف گور دو قطعه سنگ در ارتفاع متوسط ۵۰-۱۰۰ سانتی‌متر قرار داده می‌شود. در این سنگ‌مزارها مشخصات شخص متوفی که عمدتاً شامل نام شخص به همراه نام پدر، تاریخ فوت به هجری نگاشته شده است. در این دسته، سنگ‌مزارهای محرابی شکل را نیز می‌توان قرار داد.

### (ج) منشوری و مطبق:

این سنگ‌مزارها همانند نمونه‌های استوانه‌ای بوده و تنها در شکل ظاهری تفاوت‌های دارد. نمونه‌های از این

این نوع سنگ‌قبرها به صورت عمودی و عمدتاً در قسمت سر متوفی یا هر دو طرف که در مناطق سنی مذهب رواج دارد، قرار داده شده است. این سنگ‌مزارها از ارتفاع متنوع برخوردار بوده و ابعاد آن‌ها نیز متغییر است. این‌گونه سنگ‌مزارها از نظر شکل ظاهری همانند سنگ‌مزارهای افقی متنوع بوده است که عبارت‌اند از: (۱) سنگ‌مزارهای افراشته: این سنگ‌مزارها را گاهاً «میل» می‌نامند. پیشینه قرار دادن سنگ‌افراشته در کنار گور در منطقه شمال‌غرب ایران به عصر مفرغ جدید و آهن I برمی‌گردد و تا دوره اسلامی تداوم پیدا کرده است. سنگ‌افراشته‌های دوره اسلامی از نظر شکل در سه گروه قابل تقسیم‌بندی است: الف) افراشته استوانه‌ای شکل: این سنگ‌افراشته‌ها به صورت خوش‌تراش بوده و سطحی صاف دارند، بر روی برخی از این سنگ‌ها کتیبه ایجاد شده و قسمت فوقانی آن نیز گاهاً به صورت عمامه با دوازده ترک بوده که نمونه‌های از آن در گورستان اونار مشکین‌شهر به تاریخ ۸۸۱

جدول ۵. آرایه‌های سنگ‌مزارهای دوران اسلامی ایران. مأخذ: همان.

<p>۱- به ندرت تصویر انسانی ایجاد شده است؛ ۲- تصویر مردانی تمام رخ که در دست خود چهارپایانی دارند، ۳- اسب‌سوار و شکارگر.</p>	<p><b>نقوش انسانی</b></p>
<p>عمده تصاویر حیوانی سنگ‌مزارهای شمال غرب، مربوط به حیوانات اهلی از قبیل بز و گوسفند بوده و به ندرت تصاویری از سگ، اسب و سایر حیوانات به خصوص پرندگان دیده می‌شود.</p>	<p><b>نقوش حیوانی</b></p>
<p>نقش‌مایه گیاهی متنوعی بر روی سنگ‌مزارها، ایجاد شده است از جمله: اسلیمی و ختایی، لوتوس، درخت زندگانی است.</p>	<p><b>نقوش گیاهی</b></p>
<p>۱- عمده تصاویر مربوط به آلات جنگی از قبیل شمشیر، تیر و کمان، سپر، تبر و غیره است. ۲- نقوش آلات روزمره زندگانی از قبیل شانه، کوزه آب، قیچی و غیره است.</p>	<p><b>نقوش ابزار و ادوات</b></p>
<p>نقش‌مایه‌های ایجاد شده بر روی سنگ‌مزارها در شکل‌های اصلی دایره، مربع، مثلث، مستطیل، ستاره داوود، محراب، شمسه، ترنج و غیره است.</p>	<p><b>هندسی و نمادین</b></p>
<p>کتیبه‌های روی سنگ‌مزارهای شمال غرب، عموماً به خط کوفی، نسخ، ثلث و نستعلیق و حاوی مطالب زیر است: اسماء جلالیه، آیات قرآنی با مضامین فانی بودن دنیا، حق بودن آخرت، گذر عمر، آیت الکرسی و غیره، ۵ تن آل عبا، معرفی شخص متوفی (نام، نام پدر، تاریخ فوت به عربی) و گاهی اشعاری به زبان فارسی</p>	<p><b>ترتیب کتیبه‌ای</b></p>
	<p><b>طراحی نمونه نقوش سنگ‌مزارهای برخی از گورستان‌های شمال غرب</b></p>

کتیبه، زیورآلات، هنر، زبان و ادبیات و دغدغه زیبایی‌شناختی است (Ertan, ۱۰۹:۲۰۱۰) که با جهان‌بینی دین اسلام در رابطه با سنت‌های تدفین ارتباط تنگاتنگی دارد؛ آنچه را تا قبل از اسلام به نشانه موقعیت اجتماعی، فردی و اعتقادی اشخاص متوفی در داخل گور قرار می‌داده‌اند، در دوره اسلامی منع گردیده و به دلیل کمرنگ شدن چنین اعتقاداتی بر روی گور ایجاد شد، در نتیجه تصاویر نمادین از رفتارها، باورها و به‌عنوان انعکاس جامعه‌شناختی از شیوه زندگی (Berkli, ۳۹:۲۰۱۲) و اعتقادی افراد که در زمان حیات داشته‌اند، شکل گرفت (افقهی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). این تصاویر در حالت کلی با اعتقادات جاودانگی روح ارتباط دارد و بدون شک این تصاویر متأثر از عقاید مذهبی، روایات و باورها قرار گرفته است (فقیه میرزایی، ۱۳۸۴: ۲۲۵).

### بحث و تحلیل

منطقه شمال‌غرب ایران از دوران پیش از تاریخ تاکنون مسکن اقوام و فرهنگ‌های مختلف با باورهای مذهبی متنوعی بوده است. در دوره اسلامی این منطقه مسکن اقوام ترک‌زبان آسیای میانه از جمله سلجوقی، ایلخانی، تیموری و غیره می‌شود. در روند بازنمایی نقوش و شکل سنگ‌مزارهای دوره اسلامی منطقه شمال‌غرب ایران، شاهد تأثیر سه فرهنگ متفاوت چون فرهنگ ایران باستان، فرهنگ اسلام و فرهنگ آسیای میانه هستیم. در دوره اسلامی سه فرهنگ مذکور در قالب یک فرهنگ واحد با نام فرهنگ ایرانی - اسلامی شکل گرفت که نمودهای آن را به وضوح در نقش‌مایه‌ها و شکل سنگ‌قبرها می‌توان مشاهده کرد (نمودار ۲).

سنگ‌افراشته‌های شمال‌غرب ایران به عنوان نمونه‌ای از تأثیرهای فرهنگی مذکور را به خوبی نشان می‌دهد. سنگ‌افراشته‌های گورستان اونار از نظر شکل‌ظاهری شباهت زیادی با نمونه‌های موجود در گورستان‌های جمهوری آذربایجان و ترکیه دارد که ریشه هر دوی آن‌ها به آسیای میانه بازمی‌گردد. شکل این سنگ‌مزارها نشانگر تأثیر روابط فرهنگی آسیای میانه بر فرهنگ شمال‌غرب ایران در دوره اسلامی دارد. جوامع آسیای میانه عموماً متکی به باورهای شمنی بوده و سنت‌های تدفینی خاص خود را داشته‌اند. در فرهنگ‌های آسیای میانه بر روی گورها سنگ‌های به‌صورت عمودی و افقی قرار می‌داده‌اند که نمونه‌های جالب آن، سنگ‌های افراشته‌ای که به‌صورت پیکره‌های عمدتاً انسانی ایجاد شده است. این پیکره‌های سنگی در اصطلاح محلی بیشتر بانام «داش‌بابا» یا «بالبال» شناخته شده است؛ در شکل سیمای انسانی که یک دست خود را بر کمر بسته و دست دیگر را به نشانه احترام به سینه خود قرار داده به‌نمایش می‌گذارد.

ریشه قرار دادن استل و به‌طور کلی سنگ‌های افراشته منقوش بر روی گورها به‌نظر می‌رسد با باورهای شمنی در



نمودار ۲. تأثیر فرهنگ‌های مختلف بر شکل‌گیری شکل و نقش‌مایه‌های سنگ‌قبرهای شمال‌غرب ایران در دوره اسلامی. مأخذ همان.

سنگ‌افراشته‌های مطبق در روستای سوساوا (سوسهاب) شهرستان خلخال که به‌شکل سه طبقه ساخته شده است (موسوی‌کوهپر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۳). این قبیل سنگ‌مزارها گاه‌آداری کتیبه و نقوش تزئینی از قبیل گیاهی و هندسی - نمادین بوده و این سنگ‌افراشته‌ها بیشتر در قسمت غربی گور قرار می‌گیرند. نمونه‌های از سنگ‌افراشته‌های این دسته در اکثر روستاهای آذربایجان باقی‌مانده است (جدول ۴).

### ۳- سنگ‌مزارهای ترکیبی:

این دسته از سنگ‌مزارها به‌صورت عمودی و افقی است. در این دسته یک سنگ‌مزار مزین به آیات قرآنی، اشعار و نقش‌مایه‌های تزئینی به‌صورت افقی بر روی گور قرار گرفته و سنگ‌مزار دیگر در سمت سر متوفی به‌صورت عمودی و ایستاده قرار گرفته است. سنگ‌مزار عمودی عمدتاً شامل کتیبه‌های است که هویت شخص متوفی را نشان می‌دهد. این‌گونه از سنگ‌مزارها متداول‌ترین گونه از سنگ‌مزارهای گورستان‌های تاریخی منطقه شمال‌غرب ایران است (تصویر ۱).

### گونه‌شناسی عناصر تزئینی سنگ‌قبرهای گورستان‌های شمال‌غرب ایران

سنگ‌مزارها را جدا از شکل ظاهری و نحوه قرارگیری می‌توان از منظر نگاره‌ها و آرایه‌های به‌کاررفته بر روی گورها می‌توان در گونه‌های زیر دسته‌بندی نمود: الف) انسانی، ب) حیوانی، ج) گیاهی، د) هندسی-نمادین، ه) اشیاء و ابزار (جدول ۵). هرکدام از آرایه‌های به‌کار رفته در مناطق مختلف از نظر نحوه ایجاد نقش و شکل ظاهری متنوع بوده و تفاوت‌های محسوسی در جزئیات آن‌ها قابل مشاهده است؛ که به‌نظر می‌رسد این تفاوت ایجاد شده بیشتر ملهم از جهان‌بینی هنرمندان طراح آرایه‌های سنگ‌قبرهاست. شکل‌گیری نگاره بر روی سنگ‌مزارها با

جدول ۶. نمونه‌های از سنگ‌مزارهای افراشته، مأخذ: همان.

ملاحظات	سنگ‌مزارهای اسلامی گورستان اونار مشکین شهر	نمونه‌ای از سنگ‌مزارهای اسلامی ترکیه	نمونه‌ای از سنگ‌مزارهای غیر اسلامی آسیای میانه
<p>۱. سنگ‌مزارهای افراشته اسلامی شمال غرب ایران ادامه سنت پیکره‌سازی بر روی گورهای آسیای میانه بوده که در جزئیات تفاوت‌های محسوسی با نمونه‌های غیر اسلامی خود دارد.</p> <p>۲. سنگ‌افراشته‌های دوره اسلامی شمال غرب ایران با نمونه‌های ترکیه در عدم تصویرسازی انسانی، وجود کتیبه و داشتن عمامه (کلاه مذهبی) است.</p> <p>۳. در سنگ‌افراشته‌های اسلامی شمال غرب ایران مفاهیم و نمادهای تشیع قابل مشاهده است که تفاوت‌های با نمونه‌های ترکیه دارد.</p>			
	<p>۱. سیمای کلی پیکره انسانی</p> <p>۲. فاقد چهره</p> <p>۳. فاقد اندام حرکتی</p> <p>۴. دارای کتیبه</p> <p>۵. دارای عمامه با ۱۲ ترک نماد تشیع</p> <p>۶. اسلامی</p>	<p>۱. سیمای کلی پیکره انسانی</p> <p>۲. فاقد چهره</p> <p>۳. فاقد اندام حرکتی</p> <p>۴. دارای کتیبه</p> <p>۵. دارای عمامه</p> <p>۶. اسلامی</p>	<p>۱. پیکره انسانی</p> <p>۲. دارای چهره</p> <p>۳. دارای اندام به خصوص دست</p> <p>۴. عمدتاً فاقد کتیبه</p> <p>۵. غیر اسلامی</p>

گل لوتوس، چلیپا و حتی نقوش گیاهی که نمادی از باروری، زایش و زیبایی هستند. نمونه‌های از این نقش‌مایه‌ها را از دوره پیش از تاریخ تا ورود اسلام در آثار و بناهای مختلف شاهد هستیم. همچنین براساس شواهد باستان‌شناختی در ایران پیش از اسلام متناسب با پایگاه اجتماعی افراد در داخل قبرها قرار داده می‌شد. اشیاء درون گورها و حتی ساختار چینش گورها دارای مفاهیم و نمادهایی است که براساس آن می‌توان به ساختار اجتماعی یک جامعه و فرد متوفی دست پیدا کرد. با ورود اسلام سنت قرار دادن اشیاء در داخل گورها نهد شد که براساس آن نقوش غیر مذهبی مانند نقش ابزارآلات چون قیچی، شمشیر، تیر و کمان، ظروف و غیره بر روی سنگ‌قبرها ایجاد شد. این نقوش بیان‌کننده تفکرات شخص متوفی و پایگاه اجتماعی وی بوده است. در کنار این دو فرهنگ تأثیر باورهای شیعه به خصوص پس از دوره تیموری نمود بیشتری پیدا کرد. برخی از نقوش و مفاهیم کتیبه‌ها ارتباط نزدیکی با باورهای شیعه دارد؛ از جمله نقش ۱۲ ترک بر روی سنگ‌افراشته‌های روستای اونار بیانگر تفکرات دوازده امامی در ایجاد این نقوش است همچنین رواج اسامی از قبیل علی و خلیفه‌الخلفا اشاره کرد. به‌طورکلی سنگ‌مزارهای شمال غرب ایران از نظر نقوش و نحوه استقرار متأثر از سه فرهنگ متفاوت از نظر اعتقادی، جغرافیایی و زمانی است که در این منطقه در قابل یک فرهنگ واحد نمود پیدا کرده است.

ارتباط بوده است. در دوران پیش از تاریخ، شامان‌ها بر روی سنگ‌های افراشته (استل) تصاویری حک می‌کردند. در اعتقادات شمنی و اقوام آسیای میانه بین روح و سنگ ارتباطی نزدیک وجود دارد. سنگ‌ها نمایانگر روح اجداد و نگهبان مزارها مطرح بوده‌اند؛ که بر همین اساس برای سنگ منزلت اسطوره‌ای و رمزی می‌توان قائل شد. این فضلان در سفرنامه خود رسم قرار دادن سنگ بر روی قبرها را به منظور یادبود و خاطره قهرمانان و جنگجویان گذشته شده دانسته است که به عنوان یکی از سنت‌های قدیمی ترکان اوغوز محسوب می‌شود. ترک‌ها با پذیرش اسلام به ناچار برخی از سنت‌های گذشته خود را ترک کرده و متأثر از جهان‌بینی اسلام قرار گرفتند. در آیین اسلام برخلاف مسیحیت و بودایی که تصاویر را به عنوان مظهري از ذات خداوند ستایش می‌کنند، پرداختن به تصاویر انسان، ترسیم شمایل و ساخت پیکره منع شده بود بنابراین قرار دادن پیکره انسانی بر روی گورها تغییراتی اعمال گردید که براساس این تفکر جدید پیکره‌ها فاقد چهره و اندام شده و به جای آن کتیبه‌های قرآنی و عناصر و نمادهای مذهبی مانند عمامه و نقوش اسلیمی ایجاد شد (جدول ۶).

بیان نمادین و اسطوره‌ای برخی از نقش‌مایه‌های سنگ‌قبرهای شمال غرب ایران با سنت‌های ایران پیش از اسلام ارتباط معناداری دارد و نشانگر استفاده از کهن‌الگوها در دوره اسلامی و حتی متأخر است. نقوش چون خورشید،

## نتیجه

آنچه در متن مقاله به آن پرداخته شد سنگ‌قبرهای برخی از گورستان‌های دوره اسلامی شمال غرب ایران است. این سنگ‌قبرها از نظر زمانی عموماً از دوره ایلخانی تا اسلامی متأخر هستند. سنگ‌قبرهای این گورستان‌ها از نظر شکل و نحوه ایستایی به سه دسته کلی قابل افقی، عمودی و ترکیبی با زیردسته‌های مختلف (افراشته، گهواره‌ای، صندوقی، پلکانی، حیوانی و ...) قابل تقسیم هستند؛ همچنین از نظر نقش‌مایه‌های ایجاد شده بر روی سنگ‌ها نیز به دسته‌های از جمله نقش‌مایه انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی، ابزار و ادوات و کتیبه‌ای قابل تقسیم هستند. مطالعه و تفسیر شکل و عناصر تزئینی برخی از این سنگ‌مزارها ریشه در فرهنگ‌های جوامع آسیای میانه دارد به طوری که سنگ‌قبرهای عمودی یا افراشته گورستان اونا را شباهت انکارناپذیری با افراشته‌های گورستان‌های آسیای میانه دارد که نشان می‌دهد تأثیر فرهنگ‌های آسیای مرکزی در شکل‌گیری گورستان‌های این منطقه بیشتر بوده است. مهم‌ترین عامل در روند تأثیرگذاری فرهنگ‌های آسیای میانه بر شمال غرب ایران را بایستی در گروه‌های قومی ترک‌زبان ساکن این منطقه از جمله سلجوقیان، ایلخانیان، تیموریان، صفویان و غیره دانست؛ که بخشی از سنت‌های سنگ‌مزارهای منطقه آسیای میانه را با خود به داخل نجد ایران آورده‌اند.

مطالعات تطبیقی میان سنگ‌مزارهای ایجاد شده در ایران با سایر مناطق نوعی تشابهات سبک‌شناختی را می‌توان مشاهده کرد. با این حال مطالعه و تحلیل مضامین نقش‌مایه‌های به‌کار رفته در سنگ‌مزارها به‌گونه‌ای ادامه سنت‌های ایران باستان را نشان می‌دهد که با تغییرات جزئی بر روی سنگ‌مزارهای دوره اسلامی ایجاد شده‌اند، در عین حال مفاهیم به‌کاررفته در سنگ‌مزارها ضمن نشانگر سنت‌های ایران باستان ارتباط با فرهنگ‌های آسیای میانه و جهان اسلام را نیز دارد و در نگاه کلی سنگ‌مزارهای شمال غرب ایران برخاسته از تفکر سه فرهنگ و اعتقادات متفاوت (ایران باستان، آسیای میانه و جهان اسلام) بوده که در این منطقه در یک وحدت هنری جلوه‌گری کرده است.

## منابع و مآخذ

احمدزاده، فرید، هاشم حسینی و حامد نورسی، ۱۳۹۷، پژوهشی بر شناخت مضامین و نقوش سنگ‌قبور ایل گوران در شهرستان اسلام‌آباد غرب، هنرهای تجسمی، شماره ۵، صص ۷۹-۹۲.  
افقهی، مریم، ۱۳۸۷، بررسی نگاره‌های سنگ‌مقابر در دوره صفویه با تأکید بر پایتخت‌های این دوره، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد صنایع دستی، استاد راهنما مهرانگیز مظاهری و محسن گلستانی، دانشگاه الزهراء.

افندی‌اف، راسیم، ۱۳۹۲، سنگ‌ها سخن می‌گویند، ترجمه محمدعلی آرشف، تبریز: دنیز.  
برادران شکوهی، سیروس، ۱۳۷۱، گزارش نهایی سنگ‌نوشته‌های آذربایجان، دانشگاه تبریز.  
پروین، صمد، ۱۳۹۵، بررسی باستان‌شناختی سنگ‌قبرهای اسلامی شهرستان مشکین‌شهر مطالعه موردی قبرستان اونا، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، استاد راهنما بهروز افخمی، دانشگاه محقق اردبیلی.

پوپ، آرتور، ۱۳۹۰، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: بیات.  
تبریزی، محمدکاظم بن محمد، ۱۳۸۸، منظرالاولیاء، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

تناولی، پرویز، ۱۳۵۴، قالیچه‌های شیری فارس، تهران: دانشگاه تهران.  
ثمری، مریم، ۱۳۹۵، سنگ‌قبرهای اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، استاد راهنما

رضا رضالو، دانشگاه محقق اردبیلی.

- حشری تبریزی، ملامحمد امین، ۱۳۷۱، روضه اطهار، تصحیح عزیز دولت آبادی، تبریز: ستوده.  
خزایی، محمد، ۱۳۸۱، نقش شیر نمود امام علی، کتاب ماه هنر، صص ۳۹-۳۷.  
رضالو، رضا و یحیی آیرملو، ۱۳۹۳، آیین تدفین اسب در میان اقوام سکایی مطالعه موردی گورستان  
خرم آباد مشگین شهر، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۱۱۳-۱۴۴.  
شایسته فر، مهنان، ۱۳۸۸، تزیینات کتیبه‌ای سنگ قبرهای شیخ صفی و تطبیق آن با نهارخوران گرگان،  
کتاب ماه هنر، شماره ۱۳۴، صص ۷۴-۸۱.  
شایسته فر، مهنان، گل‌مغانی زاده اصل، ملکه، ۱۳۸۱، تزیینات کتیبه‌ای نمای بیرونی بقعه شیخ صفی  
الدین اردبیلی، علوم اجتماعی و انسانی، دوره ۱۹، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۳.  
کارگر، محمدرضا، ۱۳۷۲، مقابر اسلامی و پایگاه فرهنگی آن در شمال غرب ایران - آذربایجان،  
پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، استاد راهنما جابر انصاری، دانشگاه تربیت مدرس.  
کربلایی تبریزی، حافظ حسین، ۱۳۴۴، روضات الجنان و جنات الجنان، جعفر سلطان القرائی، تهران:  
بنگاه ترجمه و نشر کتاب.  
محرم‌پور علویانی، مهرداد، ۱۳۸۲، بررسی و مطالعه سنگ‌مزارات شهرستان مراغه در دروه اسلامی،  
پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، استاد راهنما سوسن بیانی، دانشگاه آزاد واحد تهران  
مرکز.  
مستوفی، حمدالله، ۱۳۳۶، نزهت القلوب، محمد دبیرسیاقتی، تهران: کتابخانه طهوری.  
موسوی کوهپیر، سیدمهدی، حمید خانعلی و جواد نیستانی، ۱۳۹۴، سنگ‌های مزار نمودی از وحدت  
مذاهب مختلف اسلامی در ایران گونه‌شناسی طبقه‌بندی و مطالعه آرایه‌های سنگ‌مزارهای نوع  
گهواره‌ای، فصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۱۵۲-۱۳۳.  
میرجعفری، حسین، بزاز دستفروش، مهدی، ۱۳۹۱، مزارات بیلانکوه تبریز، پژوهش‌های تاریخی،  
سال ۴۸، شماره ۱۴، صص ۱-۲۲.  
واندنبرگ، لویی، ۱۳۴۸، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.  
هال، جمیز، ۱۳۸۰، فرهنگ‌نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ  
معاصر.  
هیلن براند، روبرت، ۱۳۸۰، معماری اسلامی شکل کارکرد و معنی، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی،  
تهران: روزنه.

Ağasıoğlu, F., (2013). DAŞBABA TÜRKÜN DAŞ YADDAŞI, Baki.

Aksoy, M., (2017). Bitlis ve Ahlat'ta Koç-Koyun Başlı Mezar Taşları, Kümbetler ve Damgalar. Turk yourdu, 35-38.

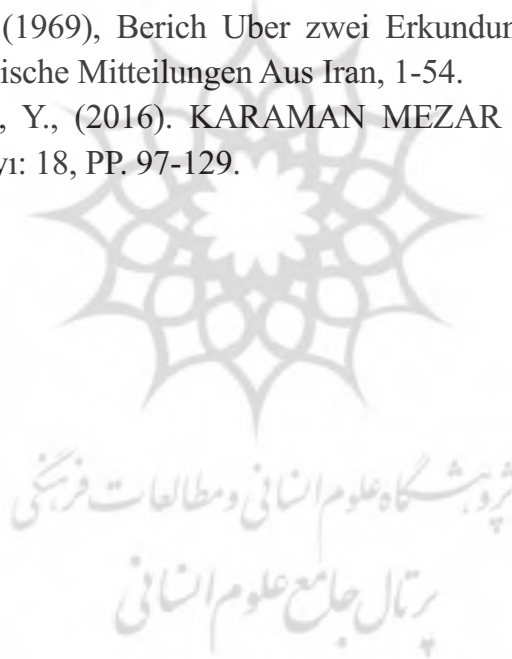
ALYILMAZ, C. and ALYILMAZ, S., (2017), İĞDIR VE ÇEVRESİNDEKİ KOÇ HEYKELLİ MEZAR TAŞLARININ ÜZERLERİNDEKİ ARAP HARFLİ YAZITLAR. Türk Dünyası Dil ve Edebiyat Dergisi, (43), pp.305-345.

ARSLAN, A.S., (2017). "TAŞLAR KONUŞUR": TÜRK MEZAR TAŞLARININ BİÇİM DİLİ. Uluslararası Türkçe Edebiyat Kültür Eğitim (TEKE) Dergisi, 6(3), pp.1923-1937.

Baykara, T., (1993). Asya Türk Kültürünün Bir unsuru Olarak Mezar Taşı. Vakıflar Haftası, s. 127-131.



- Berkli, Y., (2007). Erzurum'da Yeni Bulunan Haç Motifli Koç Heykelinin Düşündürdükleri. Atatürk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi, 14(34), pp.215-232.
- Berkli, Y., (2012). Azerbaycan-Bakü'de Bulunan İnsan Heykel Biçimli Mezar Taşları ve Orta Asya-Azerbaycan-Anadolu İlişkisi. Türk Kültürü ve Hacı Bektaş Velî Araştırma Dergisi, (61).
- Demirel, F., (2008). Besni mezar taşları (Doctoral dissertation, Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü).
- Efandioglu, Rasim, (1986), Stone plastic Art of Azerbaijan, Baky.
- Ertan, D.A.Ş.,(2010), Bozdoğan Mezar Taşları. Sanat Tarihi Dergisi, 19(2), pp.109-127.
- Godard, A. (1965). The Art of Iran: New York, Frederick A. Praeger Publishers, 277, 283-284.
- Kleiss, W. (1969), Bericht über zwei Erkundungsfahrten in Nordwest – Iran, Archaeologische Mitteilungen Aus Iran, 1-54.
- YILDIRIM, Y., (2016). KARAMAN MEZAR TAŞLARI TİPOLOJİSİ. Şehir Dergisi, Sayı: 18, PP. 97-129.





- Samari, Maryam, (2016), Tombstones of Ardabil, Master Thesis in Archeology, Supervisor Reza Rezaloo, Mohaghegh Ardabili University.
- Shayestehfar, Mahnaz, (2009), Decorations of the inscriptions on the tombstones of Sheikh Safi and its adaptation to the diners of Gorgan, Book of the Month of Art, No. 134, pp. 81-74.
- Shayestehfar, Mahnaz, Golmoghazadeh Asl, Queen,(2002), Inscriptions on the exterior of the tomb of Sheikh Safi al-Din Ardabili, Social Sciences and Humanities, Volume 19, Number 1, pp. 103-83.
- Shokouhi Brothers, Sirius, (1992), Final Report of Azerbaijani Inscriptions, University of Tabriz.
- Tabrizi, Mohammad Kazem Ibn Mohammad, (2009), Manzar al-Awliya, edited by Mir Hashem Mohaddes, Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly.
- Tanavoli, Parviz, (1975), Fars Dairy Carpets, Tehran: University of Tehran.
- Vandenberg, Louis, (1969), Archeology of Ancient Iran, translated by Isa Behnam, Tehran: University of Tehran.
- YILDIRIM, Y., (2016). KARAMAN MEZAR TAŞLARI TİPOLOJİSİ. Şehir Dergisi, Sayı: 18, PP. 97-129.





- Atatürk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi, 14(34), pp.215-232.
- Berkli, Y., (2012). Azerbaycan-Bakü'de Bulunan İnsan Heykel Biçimli Mezar Taşları ve Orta Asya-Azerbaycan-Anadolu İlişkisi. Türk Kültürü ve Hacı Bektaş Veli Araştırma Dergisi, (61).
- Demirel, F., (2008). Besni mezar taşları (Doctoral dissertation, Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü).
- Efandiolf, Rasim, (1986), Stone plastic Art of Azerbaijan, Baky.
- Effendiolf, Rasim, (2013), The Stones Speak, translated by Mohammad Ali Arshafar, Tabriz: Deniz.
- Ertan, D.A.Ş.,(2010), Bozdoğan Mezar Taşları. Sanat Tarihi Dergisi, 19(2), pp.109-127.
- Godard, A. (1965). The Art of Iran: New York, Frederick A. Praeger Publishers, 277, 283-284.
- Hall, James, (2001), Dictionary of Symbols in East and West Art, translated by Roghayeh Behzadi, Tehran: Contemporary Culture.
- Hashari Tabrizi, Mullah Mohammad Amin, (1992), Roza Athar, edited by Aziz Dolatabadi, Tabriz: Sotoudeh.
- Helen Brand, Robert, (2001), Islamic Architecture, Form of Function and Meaning, translated by Baqer Ayatollahzadeh Shirazi, Tehran: Rozaneh.
- Karbalaei Tabrizi, Hafez Hussein, (1965), Rawdat al-Jannan and Janat al-Jannan, Jafar Sultan al-Qara>i, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Kargar, Mohammad Reza, (1993), Islamic tombs and its cultural base in northwestern Iran-Azerbaijan, Master Thesis in Archeology, Supervisor Jaber Ansari, Tarbiat Modares University.
- Khazaei, Mohammad, (2001), The role of the lion of Imam Ali, Book of the Month of Art, pp. 37-39.
- Kleiss, W. (1969),( Berich Über zwei Erkundungsfahrten in Nordwest – Iran, Archaeologische Mitteilungen Aus Iran, 1-54.
- Mirjafari, Hossein, Bazaz Dastforosh, Mehdi, (2012), Bilankooch Tomb of Tabriz, Historical Research, Volume 48, Number 14, pp. 22-1.
- Moharrampour Alaviani, Mehrdad, (2003), Study and study of tombstones in Maragheh city in the Islamic period, Master Thesis in Archeology, Supervisor Susan Bayani, Azad University, Central Tehran Branch.
- Mostofi, Hamdollah, (1957), Nazhat al-Qulub, Mohammad Dabirsiyaghi, Tehran: Tahoori Library.
- Mousavi Kouhpar, Seyed Mehdi, Hamid Khanali and Javad Neyestani, (2015), Tombstones Demonstrated the Unity of Different Islamic Religions in Iran Typology of Classification and Study of Cradle Array Tomb Arrays, Quarterly Journal of Islamic History Research, Volume 5, Number 20, pp. 133-152.
- Parvin, Samad, (2016), Archaeological study of Islamic tombstones in Meshkinshahr city Case study of Onar cemetery, Master Thesis in Archeology, Supervisor Behrouz Afkhami, Mohaghegh Ardabili University.
- Pope, Arthur, (2011), Iranian Architecture, translated by Gholam Hossein Sadri Afshar, Tehran: Bayat.
- Rezalo, Reza and Yahya Airmloo, (2014), Horse burial ritual among Scythian tribes Case study of Khorramabad Meshginshahr cemetery, Historical Sociology, Volume 6, Number 3, pp. 144-113.

The North West area of Iran in Islamic era had a good potentiality for shaping headstones fitting the religion beliefs due to existence of different groups of people . Thus, in this area , there are so many graveyards from different periods of Islamic era left and a huge , diverse spectrum of headstones were shaped in them. However, there were no global research in terms of appearances and figurations around typology and classification of Islamic headstones of Iran < s North West region so far. Studies on headstones in terms of archeology , anthropology, linguistics , arts and other science are important and they need an intense, coherent research. Accordingly , this research studies headstones in different areas of Azerbaijan in addition to classification and typology of headstones in two aspects of appearance and decorative figuration.. The elegance and variety of form and shape of the headstones of Iran < s North West in Islamic era were an attraction for many researchers and visitors for a long time. However , headstones were less focused in terms of appearances , used array and cognitive foundations, and they deserve more comprehensive and wider researches to become a specific science study field in other cases for classifying these monuments . The research has been edited based on qualitative approach and descriptive – analytical research method, and information gathered by library and field studies . For this purpose , about 30 graveyards of Islamic era of Iran < s North West were studied. That way Due to scattered graveyards in North West area and also no registration and unknown samples by relevant organizations , with field studies in Meshkin shahr, Khalkhal, Nir , Ardebil , Sarein , Maragheh, Varzaghan , Bostanabad , Tabriz, Marand , Ahar , Miand oab and Salmas counties some of monuments were recognized . In next phase , these data were classified and analyzed with qualitative method s and comparative study methods. Also in this research, some pictures of graveyards from Sosava , Bijagh , Gal , Varzaghan , Sefidabad , Soume 'eh del and Salmas villages were selected and also schemes and figurations were designed and classified with analyzes from Corel and Autocad software, and in the end , we achieve a relative typology from figurations and appearances of North West headstones in Islamic era.

**Keywords:** Northwest of Iran, Tombstones, typology, Iranian-Islamic culture, Central Asia.

**Reference:** Afghahi, Maryam, (2008), A Study of Tombstones in the Safavid Period with Emphasis on the Capitals of this Period, Master Thesis in Handicrafts, Supervisors Mehrangiz Mazaheri and Mohsen Golestani, Al-Zahra University.

Ağasıoğlu, F., (2013). DAŞBABA TÜRKÜN DAŞ YADDAŞI, Baki.

Ahmadzadeh, Farid, Hashem Hosseini and Hamed Noursi, (2018), a study on recognizing the themes and motifs of the tomb of Goran tribe in the city of Islamabad Gharb, Visual Arts, No. 5, pp. 92-79.

Aksoy, M., (2017). Bitlis ve Ahlat'ta Koç-Koyun Başlı Mezar Taşları, Kümbetler ve Damgalar. Türk yourdu, 35-38.

ALYILMAZ, C. and ALYILMAZ, S., (2017), İĞDIR VE ÇEVRESİNDEKİ KOÇ HEYKELLİ MEZAR TAŞLARININ ÜZERLERİNDEKİ ARAP HARFLİ YAZITLAR. Türk Dünyası Dil ve Edebiyat Dergisi, (43), pp.305-345.

ARSLAN, A.S., (2017). "TAŞLAR KONUŞUR": TÜRK MEZAR TAŞLARININ BİÇİM DİLİ. Uluslararası Türkçe Edebiyat Kültür Eğitim (TEKE) Dergisi, 6(3), pp.1923-1937.

Baykara, T., (1993). Asya Türk Kültürünün Bir unsuru Olarak Mezar Taşı. Vakıflar Haftası, s. 127-131.

Berkli, Y., (2007). Erzurum'da Yeni Bulunan Haç Motifli Koç Heykelinin Düşündürdükleri.

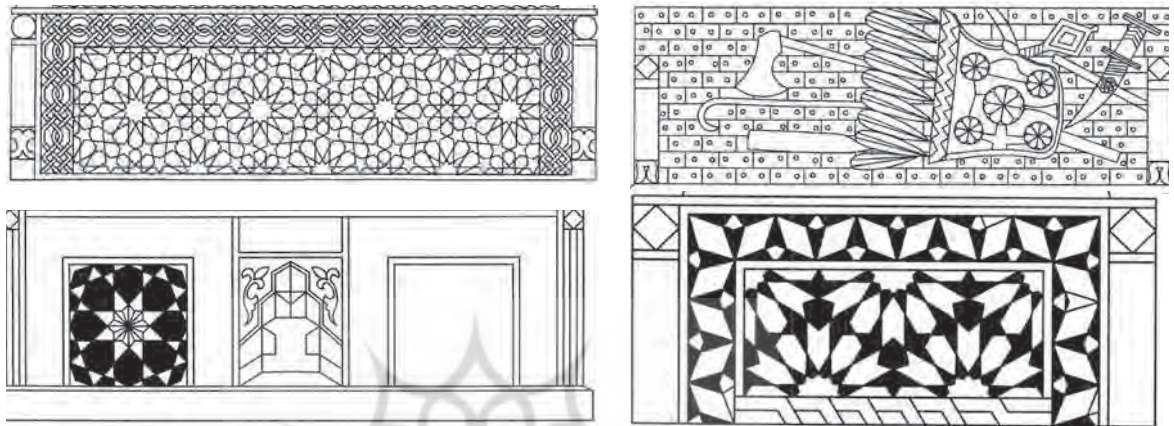
## Typology, classification and analyzing headstones of Iran's North West in Islamic era

Saeid satarnejad PhD student in Archeology, Faculty of Literature and Humanities, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Aedebil province

Mosayeb Narimani PhD Student in Archeology, Faculty of Literature and Humanities, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Ardabil Province.

Shima Azizi, PhD student in Archeology, Faculty of Art and Architecture, Babolsar University, Babolsar, Mazandaran Province.

Received: 2020/04/15 Accepted: 2020/09/20



Headstones have been one of the inseparable thoughts of death among all the communities from old times to nowadays that were used as an essential tool for their visual and spiritual aspects. However, there are various points of view in creating headstones and their relative sign fields in different societies. This phenomenon had a special place in Islamic – Iranian culture and are created in different forms and decorative figurations. The North West area of Iran is one of the finest places for such materials that this research was done to identify, typology and analyze them in order to find answers for these questions: what are the typology and forms of Iran's North West's headstones? Analyzing cognitive foundations of headstones of Iran's North West refers to which areas? How many categories the decorative figurations of these headstones can be separated? This research is using descriptive – analytical method along with several documents and field studies for recording some graveyards of Iran's North West in Islamic era. The result of this research indicates that in shape of placement, headstones are divided to three forms: horizontal, vertical and hybrid with different kinds. Some of the headstones are rooted in middle - Asia societies and have various concepts in terms of decorative arrays. Prime examples are: a) human, b) herbal, c) animal, d) geometric – symbolic, e) objects and tools. Currently, many of these monuments are damaged by mankind and nature, and just a few of them are in fine shape. Headstones are one of the components of funerals and used as an identification and date of the dead person. It is also a great place to transfer concepts of public culture. Headstones are affected by geographical, political, social and cultural features of each area. They have a special place for mankind believes and are affected by attitude of different people areas. Islamic era's headstones have various decorative array and appearances, also a great collection for studying archaeology, history, culture, art and politics of different places and is knowledgeable about social and beliefs of people for researchers. Studying headstones from different regions of Iran indicates that they have an important place in Islamic – Iranian culture. Headstones of each region have their own specialities and Islamic era's headstones of Iran's North West have a lot of variety among them.